

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال یازدهم، شماره ۲۵۸ / ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ / ۳۰ مارس ۲۰۲۶

حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی
در شرایط جنگی



در این شماره می‌خوانید:

حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ، امری مشکل

محیطزیست در جنگ؛ چارچوب‌های حقوقی و شکاف‌های اجرایی

میراث فرهنگی زیر سایه جنگ و ناامنی

جنگ با حافظه؛ حفاظت از میراث فرهنگی در منازعات نظامی

نقش حاکمیت در توجه به محیطزیست و میراث فرهنگی در شرایط جنگی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: مینا موحد، سیروان منصوری، کامبیز غفوری و میلاد پورعیسی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ، امری مشکل



حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط جنگی بر پایه مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌ها و اقدامات عملی انجام می‌شود. هدف این قواعد، جلوگیری از تخریب آثار تاریخی، موزه‌ها، بناهای مذهبی، آرشیه‌ها و اشیای فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه است.

مهم‌ترین اصول و شرایط عبارت‌اند از:

۱. ممنوعیت حمله به اماکن فرهنگی طبق کنوانسیون حفاظت از اموال فرهنگی در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه (Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict) و پروتکل‌های آن، طرف‌های درگیر جنگ نباید: بناهای تاریخی و فرهنگی را هدف نظامی قرار دهند.

از آثار فرهنگی برای مقاصد نظامی استفاده کنند. دست به غارت، تخریب یا قاچاق اشیای فرهنگی بزنند.

این کنوانسیون پس از خسارت‌های گسترده در دوران جنگ جهانی دوم تصویب شد.

۲. علامت‌گذاری و ثبت آثار فرهنگی بسیاری از بناها و مراکز فرهنگی با «نشان سپر آبی» مشخص می‌شوند تا نیروهای نظامی آن‌ها را به‌عنوان مکان حفاظت‌شده بشناسند.

همچنین، برخی آثار در فهرست یونسکو (UNESCO) ثبت می‌شوند تا حمایت بین‌المللی بیشتری دریافت کنند.

۳. تعهد دولت‌ها در زمان صلح

کشورها باید پیش از وقوع جنگ:

فهرست آثار مهم را تهیه کنند.

نقشه و مستندات دیجیتال ایجاد کنند.

مکان امن برای انتقال اشیای موزه‌ای آماده کنند.

نیروهای نظامی را درباره قوانین حفاظت فرهنگی آموزش دهند.

۴. تخلیه و انتقال آثار

در صورت وجود شرایط خطر، آثار قابل انتقال ممکن است:

به مخازن امن منتقل شوند؛

در پناهگاه‌های ضدحریق و ضدانفجار نگهداری شوند؛

یا تحت نظارت بین‌المللی جابه‌جا شوند.

۵. مسئولیت کیفری بین‌المللی

تخریب عمدی میراث فرهنگی می‌تواند «جنایت جنگی» محسوب شود.

۶. نقش سازمان‌های بین‌المللی

نهادهایی مانند:

UNESCO

(Blue Shield International) سپر آبی

بین‌المللی

(International Council of Museums)

شورای بین‌المللی موزه‌ها

در مستندسازی خسارت‌ها، آموزش، امداد فرهنگی

و جلوگیری از قاچاق آثار فعالیت می‌کنند.

۷. چالش‌های امروز

در جنگ‌های جدید، حفاظت از میراث فرهنگی

دشوarter شده است، به‌ویژه به دلیل:

بمباران شهری؛

گروه‌های افراطی؛

قاچاق سازمان‌یافته آثار؛

حملات سایبری به آرشیه‌های دیجیتال؛

و استفاده تبلیغاتی از تخریب آثار تاریخی.

نمونه‌های شناخته‌شده شامل آسیب به آثار باستانی و میراث فرهنگی در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف: حلب، پالمیرا، اوکراین و عراق است.

ضرورت حفظ و حمایت از میراث فرهنگی در قوانین داخلی ایران:

یک- قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۱/۰۲/۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی، مبنای قانونی تشکیل و فعالیت سازمان میراث فرهنگی، که بعدها با گردشگری ادغام شد، است. این قانون شامل تعاریف میراث فرهنگی، اهداف، وظایف پژوهشی، نظارتی، حفاظتی و معرفی آثار تاریخی و فرهنگی کشور است.

نکات کلیدی قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی:

تعریف میراث فرهنگی (ماده ۱): آثار باقی‌مانده از گذشتگان که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او را میسر می‌سازد.

هدف (ماده ۲): بقا و ارتقای هویت و شخصیت فرهنگی جامعه.

وظایف سازمان (ماده ۳): پژوهش، نظارت، حفظ و احیا و معرفی آثار میراث فرهنگی.

ادغام‌ها: سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد و بعدها با سازمان ایران‌گردی و جهان‌گردی ادغام گردید.

دو- قانون حفظ آثار ملی، مصوب سال ۱۳۰۹:

این قانون از اولین قوانین مهم در خصوص ضرورت حفاظت از بناها و اشیای فرهنگی و تاریخی است.

مطابق این قانون، آثار تاریخی و فرهنگی ارزشمند «آثار ملی» شناخته می‌شوند. تخریب، خرید و فروش غیرقانونی و خارج کردن این آثار از کشور ممنوع است. دولت حق ثبت و حفاظت از بناهای تاریخی را دارد.

کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت از آثار و میراث فرهنگی و تاریخی

یک- کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه:

این کنوانسیون اولین معاهده بین‌المللی است که اختصاصاً به حفاظت از اموال فرهنگی، بناها، موزه‌ها و آرشوها، در زمان درگیری‌های مسلحانه و جنگ می‌پردازد. این کنوانسیون که در ۱۴ مه ۱۹۵۴ در هلند تصویب شد، طرفین درگیر جنگ را ملزم به محافظت و احترام به میراث فرهنگی کرده و از نماد «سپر آبی» برای شناسایی این مکان‌ها استفاده می‌کند.

نکات کلیدی کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه:

هدف: حفاظت از میراث فرهنگی بشریت در برابر آسیب‌های ناشی از جنگ.

پروتکل‌ها: علاوه بر کنوانسیون اصلی، دو پروتکل، ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹، نیز وجود دارد که پروتکل دوم، اجرای دقیق‌تر و جنایت جنگی دانستن تخریب‌ها را بر عهده دارد.

تعهدات: کشورهای عضو متعهد می‌شوند که از هدف قرار دادن اموال فرهنگی خودداری کنند.

ایران: ایران به پروتکل دوم این کنوانسیون، ۱۹۹۹، ملحق شده است.

این کنوانسیون پس از ویرانی‌های عظیم جنگ جهانی دوم شکل گرفت تا از تکرار فجایع فرهنگی جلوگیری کند.

دو- کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی یونسکو، معاهده‌ای بین‌المللی است که در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ برای شناسایی، حفاظت و نگهداری از آثار فرهنگی و طبیعی با ارزش استثنایی جهانی تصویب شد. این کنوانسیون که هدف آن حفظ میراث مشترک بشریت است، کشورهای عضو را به ثبت آثار و همکاری در حراست از آن‌ها ملزم می‌کند.

نکات کلیدی کنوانسیون ۱۹۷۲:

هدف: حفاظت از مکان‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی ارزشمند در برابر تهدیدات و تخریب.

ثبت آثار: آثار ثبت‌شده شامل جنگل‌ها، کوه‌ها، ساختمان‌ها و شهرها هستند.

۲. قوانین داخلی ایران:

در صورت دسترسی به عاملان تخریب، قوانین ایران نیز بسیار شدید هستند: حبس و جزای نقدی

طبق مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات، تخریب آثار تاریخی و فرهنگی می‌تواند منجر به حبس از ۱ تا ۱۰ سال شود.

طبق ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات: هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی-تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزیینات، ملحقات، تاسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی-تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

عضویت ایران: ایران در ۲۶ فوریه ۱۹۷۵، اسفند ۱۳۵۳، به این کنوانسیون پیوسته است.

مجازات کیفری تخریب‌کنندگان میراث فرهنگی و آثار و بناهای تاریخی:

محو، تخریب یا آسیب‌رساندن به میراث فرهنگی و آثار تاریخی در زمان جنگ، علاوه بر قوانین داخلی، مشمول مجازات‌های سنگین در حقوق بین‌الملل می‌شود. این اقدامات عمدی، «جنایت جنگی» محسوب می‌شوند.

بر اساس گزارش‌ها و قوانین، مجازات عاملان تخریب میراث فرهنگی در جنگ به شرح زیر است:

۱. حقوق بین‌الملل (جنایت جنگی)

کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه: طبق این کنوانسیون و پروتکل‌های آن، حمله، تخریب، غارت یا سرقت اموال فرهنگی در جریان مداخلات مسلحانه ممنوع است.

مسئولیت کیفری: افرادی که به‌طور مستقیم اقدام به تخریب کنند یا دستور آن را بدهند، مسئول شناخته‌شده و جنایتکار جنگی محسوب می‌شوند.

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): محو آثار تاریخی می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی و، در مواردی،

محیط زیست در جنگ؛ چارچوب‌های حقوقی و شکاف‌های اجرایی



میلاد پورعیسی

جنگی حفاظت کند.

در همین زمینه، سام خسروی فرد، کارشناس و فعال محیط زیست، می‌گوید: «دولت‌ها در سراسر جهان و به‌ویژه جمهوری اسلامی در ایران، به شیوه‌های مختلف در حال فشار بر محیط زیست و تخریب آن هستند. وقتی جنگ هم به عوامل انسانی تخریب‌کننده محیط زیست افزوده می‌شود، این تخریب چندین برابر می‌شود.»

بر اساس گزارش‌های برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP)، در بسیاری از درگیری‌های مسلحانه، بیش از ۴۰ درصد از منازعات با نوعی از بهره‌برداری یا کنترل منابع طبیعی مرتبط بوده‌اند. همچنین، تجربه‌هایی مانند آتش‌سوزی چاه‌های نفتی کویت در سال ۱۹۹۱ یا آلودگی گسترده خاک و آب در مناطق جنگی نشان می‌دهد که جنگ می‌تواند اثرات

زیست محیطی بلندمدت و فرامرزی ایجاد کند. خسروی فرد در ادامه به شکل‌گیری چارچوب‌های اولیه حقوقی اشاره می‌کند: «از نخستین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در استکهلم که ایران هم در آن نقش پررنگی داشت، کشورها در اقدامی مشترک، جلوگیری از تخریب محیط زیست را مورد توجه قرار دادند که به‌طور غیرمستقیم اثر جنگ را هم دربر می‌گرفت. در اعلامیه این کنفرانس، محیط زیست برای اولین بار به‌عنوان یک «حق

در چند دهه گذشته، جایگاه محیط زیست در حقوق بین‌الملل از یک موضوع فنی به یک مسئله حقوق بشری ارتقا پیدا کرده است. این تغییر، نتیجه افزایش بحران‌های زیست محیطی جهانی، از آلودگی‌های گسترده صنعتی تا تخریب منابع طبیعی، و همچنین تجربه جنگ‌هایی بوده که آثار مخرب آن‌ها تنها به میدان نبرد محدود نمانده است. در جنگ‌ها، تخریب محیط زیست می‌تواند در قالب آلودگی منابع آب، نابودی پوشش گیاهی، تخریب زیرساخت‌های انرژی، انتشار مواد شیمیایی و حتی تغییرات بلندمدت در اکوسیستم‌ها بروز پیدا کند.

بر همین اساس، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، تلاش‌هایی برای تنظیم قواعد بین‌المللی در این حوزه شکل گرفت؛ از جمله کنفرانس استکهلم (۱۹۷۲)، کنوانسیون منع استفاده نظامی از تکنیک‌های تغییر محیط زیست (ENMOD)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲) و همچنین مقررات مرتبط در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن. با این حال، همچنان این پرسش مطرح است که این چارچوب‌ها تا چه حد توانسته‌اند در عمل از محیط زیست در شرایط

بشری» شناخته شد و همچنین توافق شد که تخریب محیط زیست در خارج از قلمرو ملی کشورها ممنوع باشد.»

اعلامیه استکهلم شامل اصولی بود که بعدها مبنای حقوق محیط زیست بین المللی شدند؛ از جمله اصل مسئولیت دولت ها در قبال فعالیت هایی که ممکن است به محیط زیست سایر کشورها آسیب بزند. این اصل بعدها در دعوای بین المللی و اسناد تکمیلی تکرار شد.

او درباره توسعه این چارچوب ها می گوید: «بعد از آن، در مجامع بین المللی، معاهدات مختلفی برای تقویت این چارچوب ها تصویب شد؛ از جمله ممنوعیت «دستکاری محیط زیست با اهداف نظامی». در کنار آن، اسنادی مثل منشور

جهانی طبیعت در سال ۱۹۸۲ هم تلاش کردند توجه دولت ها را به حفاظت از محیط زیست، حتی در شرایط جنگی، جلب کنند.»

کنوانسیون ENMOD (مصوب ۱۹۷۶) به طور مشخص استفاده از تکنیک هایی مانند تغییر مصنوعی آب و هوا، زلزله یا سایر فرآیندهای طبیعی برای اهداف نظامی را ممنوع می کند. با این حال، دامنه این کنوانسیون محدود به «دستکاری عمدی فرآیندهای طبیعی» است و بسیاری از تخریب های متعارف جنگی، مانند بمباران زیرساخت ها، را شامل نمی شود. خسروی فرد به یکی از چالش های اصلی در اجرای این قوانین اشاره می کند: «دولت ها در

حمله به کشورهای دیگر، برای فرار از مسئولیت تخریب محیط زیست، به وجود تأسیسات نظامی استناد می کنند. در حقوق بین الملل، «عمدی بودن» تخریب تأسیسات غیرنظامی اهمیت دارد و همین باعث می شود بسیاری از این موارد از عنوان جنایت جنگی خارج شوند.»

در حقوق بشردوستانه بین المللی، اصل «تمایز» میان اهداف نظامی و غیرنظامی و همچنین اصل «تناسب» نقش کلیدی دارد. اما بسیاری از زیرساخت ها، مانند پالایشگاه ها، نیروگاه ها و شبکه های آب، به ادعای کشورهای مهاجم، کارکرد دوگانه دارند. همین موضوع باعث می شود اثبات نقض قوانین، به ویژه در مورد



خسروی فرد درباره محدودیت های اجرایی این قوانین می گوید: «مشکل اصلی این است که این قوانین ضمانت اجرایی قوی ندارند و نهاد مؤثری برای مجازات دولت ها وجود ندارد. تنها راه این است که کشورها بعد از پایان جنگ، برای خسارت های زیست محیطی درخواست غرامت کنند.»

در حال حاضر، سازوکارهای موجود بیشتر به دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) یا کمیسیون های خاص، مانند «کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل»، محدود می شوند که آن ها هم تا حدی وابسته به اراده سیاسی دولت ها و شرایط بین المللی هستند.

او در پایان به یک نمونه مشخص اشاره می کند: «بعد از جنگ عراق و کویت، کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل، عراق را به دلیل آلودگی ناشی از تخریب منابع نفتی کویت به پرداخت خسارت محکوم کرد. اما همین کمیسیون، درخواست ایران برای دریافت خسارت از عراق را رد کرد؛ تصمیمی که دلایل آن روشن نیست و احتمالاً به عوامل سیاسی برمی گردد.»

در پرونده کویت، عراق به پرداخت میلیاردها دلار غرامت محکوم شد که بخشی از آن مربوط به خسارت های زیست محیطی بود. اما در موارد دیگر، از جمله شکایت ایران از عراق در جنگ این دو کشور، دقیقاً نتیجه شکایت برای همه مشخص نشد.

خسارت های زیست محیطی، پیچیده شود. او در ادامه می گوید: «در کنوانسیون ژنو و پروتکل های آن، تخریب هدفمند منابع محیط زیستی به عنوان جنایت جنگی شناخته شده، اما اگر آن منابع استفاده نظامی داشته باشند، این ممنوعیت کنار می رود.»

در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷)، حملاتی که باعث «آسیب گسترده، شدید و بلندمدت» به محیط زیست شوند، ممنوع اعلام شده اند. با این حال، معیارهایی مانند «گسترده» یا «بلندمدت» به صورت دقیق تعریف نشده اند و همین موضوع تفسیرپذیری بالایی ایجاد کرده است.

میراث فرهنگی زیر سایه جنگ و ناامنی



مینا موحد

مسئله جزو اولویت‌ها محسوب می‌شود؟

در زمان جنگ، فقط جان انسان‌ها نیست که قطعا بر کسی پوشیده نیست که میراث فرهنگی در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ بناهای تاریخی، آثار باستانی، موزه‌ها و گنجینه‌های ملی نیز ممکن است نابود شوند یا به غارت بروند. تجربه کشورهای مانند سوریه و عراق نشان داده که جنگ می‌تواند در مدت کوتاهی میراث چند هزار ساله را از بین ببرد.

شهرها و بناهای تاریخی و اشیای موزه‌ای، گردشگری، می‌تواند نقش مهم درآمدزایی برای مردم را بازی کند. پس باید حتما به بهترین شکل و در امن‌ترین حالت ممکن تمام این آثار فقط تخریب یک ساختمان یا شیء قدیمی نیست، بلکه از بین بردن بخشی از تاریخ، فرهنگ و هویت یک جامعه است. به همین دلیل، حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ تنها یک وظیفه فرهنگی نیست، بلکه بخشی از مسئولیت انسانی و بین‌المللی محسوب می‌شود.

ما در این رابطه قوانین بین‌المللی هم داریم که مهم‌ترین آن «کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ برای حفاظت از میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه» است. بر اساس این کنوانسیون، تمام کشورها موظف‌اند از تخریب آثار تاریخی جلوگیری کنند و تا آنجا که برایشان امکان‌پذیر است، از حمله به مناطقی که این آثار قرار دارند حتما دوری کنند.

البته این آثار رده‌بندی‌های مختلف دارد. ما در ایران، هم آثار ثبت‌شده ملی داریم و هم آثار ثبت‌شده میراث جهانی و تعدادی هم آثار ثبت‌نشده. به‌طور قطع، همه این‌ها باارزش‌اند، ولی به‌ترتیب اولویت، ابتدا آن‌هایی که ثبت

چرا حفاظت از میراث فرهنگی و ملی اهمیت دارد و آیا در شرایط جنگ این

میراث جهانی هستند از اهمیت بسیار بیشتری تاریخی است. جنگ فرایندی غیرقابل پیش‌بینی برخوردارند و بعد آثار ثبت ملی قرار دارند. البته است؛ در نتیجه، از قبل باید تدابیری اندیشیده تمام این آثار شامل کنوانسیون لاهه می‌شوند. شود برای مستندنگاری بناها و آثار موزه‌ای، آثار ثبت‌شده در «World Heritage Centre» به شکلی که تمام اطلاعات و جزئیات این‌ها یا WHC» که زیرمجموعه یونسکو است، بخشی ثبت و ضبط شود. در حال حاضر هم امکانات از میراث جهانی است. ایران ۲۹ اثر ثبت‌شده در زیادی برای مستندنگاری وجود دارد؛ از جمله فهرست میراث جهانی یونسکو دارد؛ از جمله اسکن‌های سه‌بعدی و دیجیتال‌سازی. با این مجموعه تخت جمشید، مجموعه میدان نقش ابرار می‌توان مشخصات یک اثر را برای ابد جهان، چغازنبیل، پاسارگاد، ارگ بم و باغ‌های جاودان کرد، حتی اگر خود اثر از بین برود. ایرانی. بقیه آثار ما ثبت ملی است؛ مانند آرامگاه این‌ها مراحل و کارهایی است که قبل از شروع جنگ و درگیری باید برای آثار شاخص انجام سعدی و حافظ، عمارت کلاه‌فرنگی، موزه پارس و بسیاری از خانه‌های تاریخی در بافت شهری. شود.

البته روند ثبت میراث جهانی رو به افزایش است زمانی که من در مجموعه تخت جمشید کار می‌کردم، ما قراردادی داشتیم با یک گروه متخصص از آلمان، به سرپرستی و مدیریت یک ایرانی. این‌ها هر سال می‌آمدند و برای بخش‌های مختلف تخت جمشید اسکن سه‌بعدی انجام می‌دادند و کل مجموعه تخت جمشید به صورت سه‌بعدی ثبت و ضبط شده است. من می‌دانم خوشبختانه این گروه برای

اولین و مهم‌ترین اقدام برای حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی کدام است؟

حفاظت از میراث فرهنگی دو بخش دارد؛ یکی از آثار تاریخی دیگر نیز مشابه این کار را انجام داده‌اند.

بخش مربوط به ابنیه تاریخی و دیگری بخش آثار منقول و اشیاء. اولین و مهم‌ترین کاری که

متولیان آثار تاریخی یا سازمان میراث فرهنگی باید انجام دهند، مستندسازی آثار شاخص **چه تفاوتی بین روش‌های حفاظت از بناهای تاریخی و آثار و اشیای منقول**

وجود دارد؟ اما زمانی که جنگ شروع می‌شود، بر طبق بناهای تاریخی را ابتدا باید استحکام‌بخشی و از کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ می‌توان با استفاده از بند نظر سازه‌ای مقاوم کنیم. بعضی از این آثار در «سپر آبی یا Blue Shield International» ایران، از جمله کاخ چهل‌ستون، قیلا مقاوم‌سازی روی آثار تاریخی و مکان‌های حفاظت‌شده شده بود. خوشبختانه، گروه ایتالیایی ISMEO علامت‌گذاری کرد و نشان داد اینجا یک اثر در دهه ۴۰ تمام ستون‌های کاخ چهل‌ستون را تاریخی و فرهنگی است تا طرف مقابل بتواند استحکام‌بخشی کرده بودند و تمام ستون‌هایی این مکان‌ها را شناسایی کرده و از تخریب آن که ما فکر می‌کنیم چوبی هستند، در واقع اجتناب کند. در ایران هم برای آثار تاریخی چوبی نیستند، بلکه داخل آن تیرآهن‌هایی قرار میدان نقش جهان در زمان جنگ این کار را گرفته و مقاوم‌سازی شده‌اند. در جنگ اخیر، انجام داده بودند.

بخشی از تزیینات کاخ چهل‌ستون به‌خاطر موج در ارتباط با آثار موزه‌ای هم، گنجینه‌داران و انفجار فرو ریخت، اما این تزیینات قابل مرمت و مسئولان موزه باید طبقه‌بندی و فهرستی از آثار شاخص موزه‌ای داشته باشند تا در مواقع بازسازی است.

خیلی از این تزیینات مربوط به دوران صفوی بحران، در اولین حرکت، این آثار را از ویت‌ترین‌ها نبوده است، چون کاخ چهل‌ستون یک بار خارج کرده و در گنجینه‌های امن نگهداری در زمان شاه سلطان حسین آتش گرفته و در کنند تا کمترین اثر تخریبی شامل آن شود. دوره‌های بعدی بازسازی شده است. البته برای موزه‌ها باید دستورالعمل و راهکارهای مشخص حفاظت از بخشی از تزیینات وابسته به بنا برای حفاظت از آثار و اشیاء داشته باشند.

آیا تخلیه و جابه‌جایی همه آثار به مکان

امن امکان‌پذیر است و چه چالش‌هایی در این میان وجود دارد؟

تزیینات بنا کار چندان سختی نیست و ما بله، آثار منقول و موزه‌ای قابلیت انتقال دارند استادکاران بسیار ماهر داریم که می‌توانند این و باید از ویت‌ترین‌ها خارج شده و به گنجینه منتقل شوند. یک‌سری از آثار هم که انتقالشان کار را انجام دهند.

به این راحتی نیست، مانند سازه‌های سنگی به اندازه کافی در برابر حملات مقاوم باشد و هم تخت جمشید که در موزه ملی است و به خاطر وزن و شرایط خاص به راحتی نمی‌توان آن‌ها را جابه‌جا کرد، باید در همان مکان مقاوم‌سازی و بسته‌بندی شوند. یعنی ابتدا پنل‌هایی از لایه‌های فوم روی آثار قرار بگیرد و بعد با دیواره‌های چوبی بسته‌بندی شود.

حفاظت از هر کدام از این آثار موزه‌ای چالش‌های خاص خود را دارد، ولی این باید بخشی از برنامه موزه‌ها باشد که از قبل پیش‌بینی‌های لازم را کرده باشند و تمام شرایط برای حفاظت از آثار مهیا باشد. این کار به طور قطع آسان نیست، ولی اگر از قبل برنامه‌ریزی شده و راهکارها مشخص باشد، می‌توان خیلی از آثار موزه‌ای را حفاظت کرد.

موزه‌ها و گنجینه‌های ملی چطور باید برای شرایط بحران آماده‌سازی شوند و در کشوری مانند ایران، با انبوهی از آثار تاریخی ارزشمند، چه اقداماتی باید از قبل انجام شود؟

اول خود ساختمان‌های موزه‌ها است که باید مکان‌های امن برای آن‌ها در نظر گرفت، به خصوص در کشورهای خاورمیانه که در شرایط خاص یا بی‌ثباتی قرار دارند. طبیعتاً موزه‌ها باید طوری طراحی شوند که هم ساختمان موزه از همه مهم‌تر، بخش آموزش مردم محلی است که در کنار همه این برنامه‌ها باید به‌ویژه به آن توجه کرد. در خیلی از کشورها، فهرستی دارند از داوطلبان افتخاری که هر زمان مشکلی پیش بیاید، بلافاصله این داوطلبان را برای کمک فرامی‌خوانند. این می‌تواند بخش مهمی

از اقدامات هر موزه‌ای باشد که برای خودشان فهرستی داشته باشد از افراد علاقه‌مند برای کمک در شرایط بحران. چون در این شرایط، وجود نیروی مؤثر و منابع انسانی بسیار اهمیت دارد؛ هرچه تعداد نیروها بیشتر باشد، اشیای بیشتری را می‌توان محافظت کرد.

ما در ایران هم به نوعی این را داشتیم، تحت عنوان راهنمایان افتخاری. مثلاً هر سال در عید نوروز، عده‌ای به صورت داوطلب می‌آمدند و کار راهنمایی بازدیدکنندگان در مجموعه تخت جمشید را به عهده می‌گرفتند. بعدها همین افراد شروع کردند به تشکیل نهادهای غیردولتی

مردم محلی چگونه می‌توانند در حفاظت از میراث ملی خود، به خصوص در زمان جنگ، مؤثر باشند؟

مردم در این زمینه نقش بسیار مهمی دارند، به شرط آنکه دولت و تمام ارگان‌های متولی امر، از جمله موزه‌ها، آموزش‌های لازم را به مردم داده باشند. در بسیاری از کشورها، به دوستان و داوطلبان محافظت از میراث ملی برای چنین مواقع بحرانی از قبل آموزش می‌دهند.

اگر این آموزش‌ها نباشد، می‌تواند مشابه چیزی که در عراق در زمان جنگ رخ داد، دوباره در کشورهای دیگر هم اتفاق بیفتد. مردم محلی در عراق نه تنها به محافظت از میراث فرهنگی‌شان کمکی نکردند، بلکه خودشان به تاراج موزه‌ها پرداختند و بسیاری از اشیای را از موزه‌ها غارت کردند تا بفروشند و تبدیل به پول نقد کنند.

در نتیجه، این وظیفه دولت و نهادهای میراث فرهنگی کشورهاست که مردم محلی را آموزش دهند تا مردم بدانند در شرایط بحرانی چه نقشی

تجربه‌های تاریخی مانند تخریب آثار ملی در سوریه، عراق یا افغانستان چه درس‌هایی می‌تواند برای سایر کشورها، از جمله ایران، در جهت محافظت از آثارشان در شرایط بحران داشته باشد؟

خوشبختانه وضعیت ما از این سه کشور بهتر است. ایران هم جزو شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) است و هم جزو شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ICOMOS) که هر دو مربوط به اشیای و آثار تاریخی هستند. اینکه ایران عضو این نهادها است، مزایای زیادی دارد. اولاً می‌تواند از شبکه جهانی متخصصین

این دو مجموعه استفاده کند برای مشاوره، مرمت، حفاظت و استفاده از تجربیات آن‌ها در این زمینه. خیلی از کشورهای اروپایی عضو این نهادها هستند و کارگاه‌های تخصصی برگزار می‌کنند و هر بار ایران می‌تواند اطلاعات خود را در این زمینه به‌روز کند. همچنین، اگر شرایط بحرانی مانند جنگ پیش آید، این نهادها می‌توانند با هشدارها و اطلاع‌رسانی بین‌المللی، اهرم فشاری شوند برای اینکه کشورهای متخاصم به آثار تاریخی حمله نکنند و افکار جهانی را تحت تأثیر قرار دهند. البته این نهادها اهرم اجرایی ندارند و نمی‌توانند جنگ را متوقف کنند، ولی می‌توانند در آگاه‌سازی بین‌المللی نقش داشته باشند. اما باید بدانیم این کافی نیست و اگر از قبل برنامه نداشته باشیم، تخریب زیادی رخ می‌دهد و آثار زیادی از دست خواهد رفت. برای شرایط بحرانی، مهم‌ترین بخش مستندنگاری یا دیجیتالی‌سازی آثار و بخش آموزش مردم محلی است. کشورهایی مانند سوریه، عراق و افغانستان این برنامه‌ها را نداشتند و از قبل برای هیچ‌چیز در شرایط بحرانی و جنگی پیش‌بینی نکرده بودند. البته در افغانستان، طالبان خودشان باعث تخریب یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی شدند و این ربطی به مردم محلی نداشت.

اگر یک اثر تاریخی نابود شود یا آسیب ببیند، ما دقیقا چه چیزی از دست می‌دهیم؟ این تخریب قابل جبران و بازسازی است؟

واقعیت این است که از بین رفتن آثار، شامل ابنیه و اشیای تاریخی، چیز جدیدی نیست. طی جنگ جهانی اول و دوم در اروپا، بسیاری از آثار تاریخی از بین رفت و کاملاً با خاک یکسان شد یا بخشی از آن آسیب دید. اما اگر این آثار مستندنگاری شده باشند، نگرانی چندانی نخواهیم داشت. خیلی از بناهای تاریخی اروپا در جنگ جهانی آسیب دیدند، اما بازسازی شدند. بازسازی حتی به شکلی بود که بخش‌های بازسازی‌شده کاملاً مشخص بود تا مردم بدانند چه بخش‌هایی از بنا اصلی است و چه بخش‌هایی بازسازی شده.

اگر ما از قبل آثار شاخص را مستندنگاری، ثبت و دیجیتالی کنیم و تمام اطلاعات و جزئیات را داشته باشیم، نگرانی کمتری داریم و اگر اتفاقی بیفتد، می‌توانیم آن‌ها را بازسازی کنیم. یعنی بسته به تصمیمات و اهداف پشت آن، می‌توان بعضی آثار را به‌صورت فیزیکی، دیجیتالی یا با استفاده از سیستم‌های هولوگرام بازسازی کرد.

اما اگر هیچ اطلاعاتی در دست نداشته باشیم، یک بحران بزرگ و خسارت غیرقابل جبرانی خواهد بود. این فقدان می‌تواند تا نسل‌ها بر روی حافظه جمعی مردم اثر بگذارد و حتی باعث

آمدند و مدیریت اتوبوسی در رأس سیستم قرار گرفت که هیچ‌گاه به نیازهای میراث فرهنگی کشور توجه نکردند. در جمهوری اسلامی، دیدگاه نسبت به میراث فرهنگی همیشه فانتزی و تجملی بود و فکر می‌کردند دلیلی ندارد برای جمهوری اسلامی، هیچ زمانی میراث فرهنگی جزو اولویت‌های اول نبوده است. شویم.

سازمان میراث فرهنگی دارای بدنه بسیار به‌عنوان مثال، ما برای رده‌بندی آثار و اشیای باسواد، دلسوز و کارکشته بوده، با افرادی بسیار لایق، اما هرگز مدیران لایق رده‌بالا نداشته خاصی نداشته‌ایم. حتی وضعیت گنجینه‌های آثار باستانی فاجعه بود و خیلی از این گنجینه‌ها حتی تهویه مطبوع برای دما و رطوبت نداشتند.

همه ما می‌دانیم سراسر ایران پر از آثار و اشیای ارزشمند تاریخی است، اما متأسفانه یک ساختار ضعیف و بدون قدرت و بودجه لازم به نام سازمان میراث فرهنگی، که بعدها به وزارتخانه هم تبدیل شد، متولی حفاظت از این آثار بوده است. مثلاً وقتی شهرداری اقدام می‌کرد به توسعه و تخریب در بافت‌های تاریخی و قدیمی، سازمان میراث فرهنگی همیشه ته قافله بود و در حال باخت. این ساختار، یک مدیریت همیشه بازنده بوده است؛ هم در جذب بودجه مورد نیاز میراث فرهنگی و هم در به‌کارگیری مدیران لایق.

ساختار میراث فرهنگی از شروع دولت احمدی‌نژاد گسسته شد و یک‌سری افراد بی‌کفایت، بدون تخصص و بدون نگرش مفید

آمدند و مدیریت اتوبوسی در رأس سیستم قرار گرفت که هیچ‌گاه به نیازهای میراث فرهنگی کشور توجه نکردند. در جمهوری اسلامی، دیدگاه نسبت به میراث فرهنگی همیشه فانتزی و تجملی بود و فکر می‌کردند دلیلی ندارد برای جمهوری اسلامی، هیچ زمانی میراث فرهنگی جزو اولویت‌های اول نبوده است. شویم.

سازمان میراث فرهنگی دارای بدنه بسیار به‌عنوان مثال، ما برای رده‌بندی آثار و اشیای باسواد، دلسوز و کارکشته بوده، با افرادی بسیار لایق، اما هرگز مدیران لایق رده‌بالا نداشته خاصی نداشته‌ایم. حتی وضعیت گنجینه‌های آثار باستانی فاجعه بود و خیلی از این گنجینه‌ها حتی تهویه مطبوع برای دما و رطوبت نداشتند.

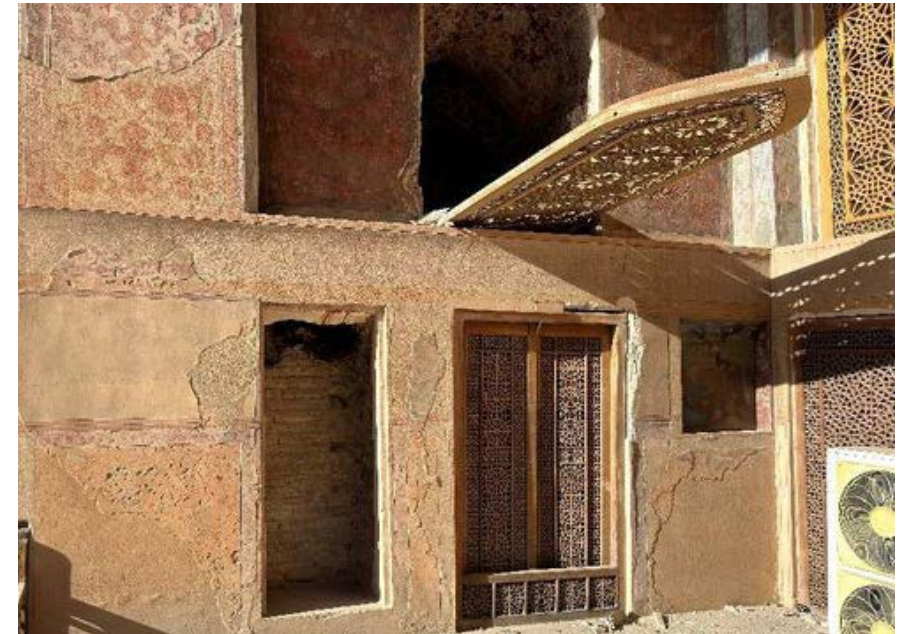
همه ما می‌دانیم سراسر ایران پر از آثار و اشیای ارزشمند تاریخی است، اما متأسفانه یک ساختار ضعیف و بدون قدرت و بودجه لازم به نام سازمان میراث فرهنگی، که بعدها به وزارتخانه هم تبدیل شد، متولی حفاظت از این آثار بوده است. مثلاً وقتی شهرداری اقدام می‌کرد به توسعه و تخریب در بافت‌های تاریخی و قدیمی، سازمان میراث فرهنگی همیشه ته قافله بود و در حال باخت. این ساختار، یک مدیریت همیشه بازنده بوده است؛ هم در جذب بودجه مورد نیاز میراث فرهنگی و هم در به‌کارگیری مدیران لایق.

ساختار میراث فرهنگی از شروع دولت احمدی‌نژاد گسسته شد و یک‌سری افراد بی‌کفایت، بدون تخصص و بدون نگرش مفید



کامبیز غفوری

جنگ با حافظه؛ حفاظت از میراث فرهنگی در منازعات نظامی



در جنگ‌ها فقط انسان‌ها کشته نمی‌شوند و شهرها ویران نمی‌شوند؛ گاهی حافظه یک جامعه نیز هدف قرار می‌گیرد. تخریب موزه‌ها، بناهای تاریخی، عبادتگاه‌ها، آرشیوها و محوطه‌های باستانی را نمی‌توان صرفاً «خسارت فرهنگی» نامید. در بسیاری از موارد، حمله به میراث فرهنگی بخشی از جنگ بر سر هویت، تاریخ و حق یک ملت برای روایت گذشته خویش است. به همین دلیل، حقوق بین‌الملل طی دهه‌های گذشته کوشیده است حفاظت از میراث فرهنگی را از حاشیه جنگ به متن مسئولیت دولت‌ها و طرف‌های درگیر بیاورد. مسئله امروز دیگر کمبود قاعده نیست؛ شکاف میان قاعده و اجراست. این تصور که در میانه جنگ، حفاظت از آثار تاریخی مسئله‌ای ثانویه است، از اساس محل مناقشه است. بدیهی است که حفظ جان غیرنظامیان در رأس تعهدات حقوق بشردوستانه قرار دارد، اما از این گزاره نمی‌توان نتیجه گرفت که میراث فرهنگی تنها پس از پایان جنگ اهمیت پیدا می‌کند. میراث، بخشی از همان جامعه انسانی است که حقوق بین‌الملل در پی حفاظت از آن است.

یک بنای مذهبی، یک آرشیو ملی یا یک محوطه باستانی فقط مجموعه‌ای از سنگ، کاغذ یا اشیای قدیمی نیست. اینها حافظه متراکم یک جامعه‌اند؛ نشانه‌هایی که مردم به واسطه آنها خود را در تاریخ می‌بینند. زمانی که چنین آثاری عمداً نابود می‌شوند، حمله فقط به یک شیء یا ساختمان صورت نگرفته است؛ بخشی از امکان بازشناسی تاریخی یک جامعه هدف قرار گرفته است. همین نکته توضیح می‌دهد که چرا تخریب میراث فرهنگی در برخی جنگ‌ها اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه خود بخشی از منطق جنگ است.

وقتی حذف گذشته، بخشی از جنگ می‌شود

تاریخ معاصر نشان داده است که طرف‌های درگیر گاه در کنار تلاش برای کنترل سرزمین، می‌کوشند روایت تاریخی رقیب را نیز حذف کنند. مسجد، کلیسا، معبد، قبرستان، کتابخانه یا بنای تاریخی می‌تواند به این دلیل هدف قرار گیرد که وجود آن سندی بر حضور تاریخی یک گروه یا جامعه است. در چنین شرایطی، نابودی میراث به ابزار قدرت تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که حفاظت از میراث فرهنگی از یک موضوع تخصصی برای

باستان‌شناسان یا موزه‌داران فراتر می‌رود و به صلح برای حفاظت از اموال فرهنگی در برابر مسئله‌ای حقوقی و سیاسی تبدیل می‌شود. اگر پیامدهای احتمالی مخاصمه آماده شوند. این جنگ بر سر سرزمین است، جنگ بر سر حافظه تعهد در عمل یعنی مستندسازی آثار، تهیه نیز می‌تواند به همان اندازه تعیین‌کننده باشد؛ فهرست دقیق، طراحی طرح‌های اضطراری، زیرا تسلط بر گذشته، راهی برای شکل دادن به ایمن‌سازی آرشیوها و موزه‌ها، ایجاد نسخه‌های آینده است. دیجیتال و آموزش نیروهای نظامی.

حقوق بین‌الملل این خطر را از نیمه قرن بیستم این اقدامات ممکن است در روزهای عادی به شکل جدی به رسمیت شناخت. کنوانسیون اداری و حتی کم‌اهمیت به نظر برسند، اما در ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در لحظه بحران تفاوت میان حفظ و نابودی را رقم صورت مخاصمه مسلحانه، مهم‌ترین نقطه آغاز می‌زنند.

این روند بود. دولتی که تا پیش از جنگ نمی‌داند چه آثاری منطبق این کنوانسیون روشن است: خسارت به دارد، کجا قرار گرفته‌اند و در شرایط اضطراری میراث فرهنگی یک ملت، صرفاً زیان آن ملت چگونه باید از آنها حفاظت کند، عملاً بخشی نیست؛ بلکه بخشی از میراث فرهنگی بشریت از میراث خود را پیشاپیش در معرض نابودی گذاشته است.

این اصل ظاهراً ساده، یک نتیجه مهم حقوقی به همین دلیل، حفاظت از میراث باید بخشی از دارد: دولت‌ها نمی‌توانند با میراث فرهنگی برنامه‌ریزی امنیت ملی و مدیریت بحران باشد، همانند یک دارایی معمولی رفتار کنند. نه ضمیمه‌ای تشریفاتی برای سیاست فرهنگی.

حفاظت از میراث، وظیفه زمان صلح است

یکی از مهم‌ترین سوءبرداشت‌ها این است که البته حقوق بین‌الملل واقعیت جنگ را نادیده حفاظت از میراث فرهنگی را مسئله‌ای مربوط نمی‌گیرد. ممکن است یک بنای تاریخی یا به روزهای جنگ بدانیم. مکان فرهنگی در جریان جنگ برای مقاصد برعکس، بخش مهمی از این مسئولیت پیش از نظامی استفاده شود و در شرایطی خاص، جنگ آغاز می‌شود. حمایت مطلق خود را از دست بدهد.

کنوانسیون لاهه از دولت‌ها می‌خواهد در دوران اما همین نقطه یکی از حساس‌ترین نقاط

سوءاستفاده است. در دهه‌های اخیر، انتقال مسئولیت از سطح

مفهوم «ضرورت نظامی» نمی‌تواند چکی سفید دولت‌ها به سطح افراد بوده است. برای حمله به آثار فرهنگی باشد. یعنی دیگر فقط این سؤال مطرح نیست که کدام

پروتکل دوم ۱۹۹۹ کنوانسیون لاهه کوشید دولت تعهد خود را نقض کرده؛ بلکه این پرسش شرایط توسل به این استثنا را محدود کند. اساس نیز مطرح است که چه کسی دستور داده، چه این محدودیت آن است که اموال فرهنگی تنها کسی اجرا کرده و چه کسی باید پاسخگو باشد.

در شرایط مشخص و زمانی که عملاً به هدف اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، حملات نظامی تبدیل شده باشند، می‌توانند موضوع عمدی علیه ساختمان‌های مذهبی، آموزشی، عملیات قرار گیرند. حتی در این صورت نیز هنری، علمی و بناهای تاریخی را، در صورتی قواعد احتیاط، تمایز و تناسب پابرجاست. که هدف نظامی نباشند، در شرایطی در شمار

این تمایز از نظر حقوقی اهمیت بنیادی دارد. جنایات جنگی قرار می‌دهد.

وجود نیروهای نظامی در یک شهر تاریخی یا پرونده احمد الفقی المهدی در ارتباط با تخریب استقرار تجهیزات در نزدیکی یک اثر، به خودی آرامگاه‌ها و بناهای مذهبی و تاریخی تیمبوکتو خود حمله به آن اثر را مشروع نمی‌کند. طرف اهمیت نمادین و حقوقی بزرگی داشت. دیوان مهاجم همچنان موظف است بسنجد آیا هدف کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ او را به دلیل واقعاً نظامی است، آیا راه جایگزینی وجود دارد مشارکت در این حملات محکوم کرد.

و آیا خسارت وارده با مزیت نظامی مورد انتظار پیام این حکم فراتر از یک پرونده خاص بود: تخریب عمدی میراث فرهنگی دیگر صرفاً تناسب دارد یا خیر.

مشکل در عمل این است که در فضای جنگ، «وندالیسم»، «خرابکاری» یا خسارتی فرعی در جنگ تلقی نمی‌شود؛ می‌تواند موضوع مسئولیت جنگ توجیه آن به کار می‌رود. همین امر ضرورت کیفری بین‌المللی باشد.

تحقیقات مستقل و مستندسازی دقیق را این تحول، یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی است؛ هرچند بازدارندگی زمانی واقعی خواهد شد که اصل پاسخگویی به شکل گزینشی اجرا

تخریب میراث می‌تواند جنایت جنگی نشود.

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق بین‌الملل غارت کمتر دیده می‌شود، اما کمتر

مخرب نیست

ویرانی تنها شکل نابودی میراث نیست. جنگ‌ها غالباً بازار غارت ایجاد می‌کنند. موزه‌ها و محوطه‌های باستانی در شرایط بی‌ثباتی آسان‌تر هدف سرقت و حفاری غیرقانونی قرار می‌گیرند و اشیاء پس از خروج از کشور، وارد زنجیره پیچیده قاچاق می‌شوند. در این مرحله، مسئله از میدان جنگ خارج و وارد بازار جهانی هنر می‌شود. کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و پروتکل‌های مرتبط با کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای مقابله با انتقال غیرقانونی آثار فرهنگی چارچوب‌هایی ایجاد کرده‌اند، اما واقعیت این است که بدون کنترل جدی بازار، حفاظت در کشور مبدأ کافی نیست. تا زمانی که خریداری برای آثار فاقد منشأ روشن وجود دارد، غارت نیز انگیزه اقتصادی خواهد داشت. در اینجا مسئولیت فقط متوجه دولت گرفتار جنگ نیست. کشورهای مقصد، گمرک‌ها، خانه‌های حراج، موزه‌ها، مجموعه‌داران و واسطه‌های بازار هنر نیز بخشی از زنجیره مسئولیت‌اند.

دفاع از حافظه، بخشی از دفاع از جامعه است

مسئله اصلی، دیگر نبود قانون نیست جامعه بین‌المللی امروز با خلأ کامل حقوقی مواجه نیست. حفاظت از میراث فرهنگی را نباید در برابر حفاظت از جان انسان‌ها قرار داد. این دو در بسیاری از موارد بخشی از یک منطق واحدند:



حفاظت از جامعه در برابر ویرانی غیرقابل جبران. انسان‌ها پس از جنگ به خانه، امنیت و زیرساخت نیاز دارند، اما به حافظه نیز نیاز دارند. جوامع پس از خشونت تنها ساختمان‌ها را بازسازی نمی‌کنند؛ باید روایت مشترک، حس تعلق و پیوند خود با گذشته را نیز از نو بسازند. اگر نشانه‌های این گذشته عمداً نابود شده باشند، بازسازی بسیار دشوارتر خواهد بود. یک ساختمان اداری را می‌توان دوباره ساخت. یک جاده را می‌توان از نو کشید. اما نسخه خطی یگانه، آرشو سوخته یا لایه‌های باستان‌شناختی نابودشده قابل بازتولید نیستند. از همین رو، حفاظت از میراث فرهنگی نباید به «بعد از جنگ» موکول شود. اگر حقوق بین‌الملل در این حوزه یک پیام روشن داشته باشد، آن پیام این است که جنگ مجوز نابودی حافظه نیست. طرف‌های درگیر نمی‌توانند فرهنگ را به ابزار انتقام، حذف هویت یا سودجویی تبدیل کنند و سپس همه چیز را به «ضرورت جنگ» نسبت دهند. حفاظت از میراث فرهنگی، در نهایت، دفاع از گذشته برای گذشته نیست؛ دفاع از حق یک جامعه برای باقی ماندن در تاریخ است. جامعه‌ای که حافظه‌اش را از دست بدهد، حتی پس از پایان جنگ نیز بخشی از آنچه باید برای آینده حفظ می‌کرد، برای همیشه از دست داده است.

نقش حاکمیت در توجه به محیط زیست و میراث فرهنگی در شرایط جنگی



سیروان منصوری

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید تنش‌های نظامی و گسترش درگیری‌های منطقه‌ای، بحث «حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی در شرایط جنگی» به یکی از دغدغه‌های مهم حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه تبدیل شده است. جنگ‌های معاصر، فراتر از تلفات انسانی، آثار عمیق و گاه جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌ها، منابع طبیعی و آثار تاریخی بر جای می‌گذارند؛ آثاری که بخشی از حافظه جمعی و هویت فرهنگی ملت‌ها محسوب می‌شوند. در این میان، تحولات اخیر و درگیری‌های پرتنش میان ایالات متحده، اسرائیل و ایران، چه در قالب عملیات نظامی مستقیم و چه از طریق جنگ‌های نیابتی و حملات هدفمند، بار دیگر این پرسش را برجسته کرده است که تا چه حد قواعد موجود در حقوق بین‌الملل توانسته‌اند از محیط زیست و میراث فرهنگی در برابر پیامدهای مخرب جنگ حمایت کنند و هم اینکه حاکمیت ایران تا چه حد به این مسئله توجه کرده است؟ آیا همان قوانین نیم‌بند داخلی هم که در این موارد وجود دارند، عملی می‌شوند؟

مجله حقوق ما برای بررسی پیامدهای این

موضوع و اثرات جنگ بر محیط زیست و میراث فرهنگی، در گفت‌وگو با اعظم بهرامی، پژوهشگر و کارشناس محیط زیست، تلاش دارد ضمن بررسی چارچوب‌های حقوقی موجود، به چالش‌های اجرایی و خلأهای قانونی در حفاظت از این ارزش‌های غیرقابل جایگزین در شرایط مخاصمه مسلحانه بپردازد.

در شرایط جنگی، مهم‌ترین تهدیدهایی که متوجه محیط زیست و میراث فرهنگی می‌شود چیست و کدامیک از نظر شما اولویت بالاتری برای مداخله دارند؟

من فکر می‌کنم که ما باید یک چارچوب کلی را در نظر بگیریم برای اینکه وقتی داریم صحبت می‌کنیم، رویکرد و نگاهمان با توجه به وضعیت امروز است؛ یعنی در موقعیتی که جمهوری اسلامی همچنان حاکم است و عملکردی که جمهوری اسلامی در ساختار حکمرانی نسبت به محیط زیست و میراث فرهنگی داشته است، به چه شکلی بوده است و یک بخش هم می‌توانیم از این منظر به آن نگاه کنیم که اگر ما یک کشور توسعه‌یافته آزاد با استاندارد نیمه‌مطلوبی بودیم، چه موقعیتی در برابر این پرسش داشتیم و چه پاسخی به آن می‌دادیم؟

این یک مزیت دارد و آن این است که یک تصویری به ما می‌دهد که در صورت تکرار این چنین شرایط استراتژیکی که ممکن است

فقط جنگ هم نباشد و حوادث طبیعی باشد یا نفتی و شیمیایی ایجاد کنند یا همین وضعیتی حوادثی که به‌خاطر سوءمدیریت یا پیش‌بینی که الان در خلیج فارس حاکم است که آن هم غیرواقعی از موقعیت اتفاق افتاده باشد، چه با توجه به اکوسیستم خود خلیج فارس، که چیزهایی برای آینده ایران آزاد نیاز است و هم یک اکوسیستم آسیب‌دیده است، می‌تواند یک اینکه ما عملاً چیزی را که می‌گوییم، خواننده شرایط بسیار شکننده‌ای ایجاد کند. همچنین و شنونده را متوجه می‌کنیم که آن شرایط در می‌تواند آلودگی هوا در اثر انفجارات باشد که سایه عملکرد جمهوری اسلامی است و نتیجه می‌تواند تجمیع بلندمدتی از آلودگی‌ها را داشته مطلوبی که ایران باید داشته باشد، نیست. باشد و همان‌طور که اشاره شد، می‌تواند تخریب روی اکوسیستم‌های تالابی، مرزی و رودخانه‌ای ایجاد کند و مین‌گذاری‌هایی که غیرقابل بازگشت باشند، می‌تواند در میان‌مدت و طولانی‌مدت تهدیدات زیست‌محیطی به شمار آیند.

هم وجود داشته باشد که بتواند اثر مستقیم در بحث تهدیدات فرهنگی، بخش‌هایی و پایداری بر سلامت محیط‌زیست یا سلامت وجود داشته‌اند که تخریب‌های عمدی یا انسان داشته باشد که مهم‌ترین آلودگی آب سنگ‌گیری‌های تعمدی نیروهای نظامی بوده و خاک با مواد سمی و فلزات سنگین است که است که در سوره نمونه‌های زیادی را داشتیم. نمونه‌اش را ما در جنگ هشت‌ساله در خوزستان در شرایط نامنی، معمولاً آثار باستانی غارت داشتیم که اثرات خیلی طولانی‌مدتی هم بر می‌شوند؛ مثلاً در مورد عراق، ما نمونه‌های سلامت آدم‌ها گذاشت یا اکوسیستم‌های مرزی زیادی از آثار باستانی موزه‌های بغداد داشتیم و تالابی ما، مثل تالاب هورالعظیم، که به شرایط که بعداً در حراجی‌های اروپا و آمریکا به فروش تخریب برگشت‌ناپذیری درآمد یا آلودگی‌های رفت. همچنین، این مورد می‌تواند شامل بمباران نفتی که در جنگ کویت به وجود آمد. یک مکان‌های تاریخی باشد که حتی در میراث بخش هم آتش‌سوزی‌های جنگلی، مثل مورد یونسکو ثبت شده‌اند یا بعضی مواقع آثار باستانی مناطق غربی ایران در طول جنگ، است و به شکل سنگر استفاده شود و حتی هویت همچنین می‌تواند شامل آلودگی‌های نفتی باشد فرهنگی اقوام هم می‌تواند به‌خاطر کوچ اجباری یا چاه‌های نفت و گاز یا صنایع پتروشیمی آتش در اثر ناامنی آسیب ببیند یا اینکه منطقه‌ای بگیرند که آن‌ها می‌توانند آلودگی‌های گسترده نسل‌کشی شود یا نسل جوانش در اثر جنگ از

بین برود که آن هم می‌تواند هویت فرهنگی آن پروتکل محسوب می‌شود. بخش از جامعه را از بین ببرد. مورد بعدی، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه است که وقتی هم که ما در مورد اولویت‌بندی‌هایی که می‌گوید: در مخاصمات مسلحانه باید از اموال برای مداخله وجود دارد صحبت می‌کنیم، فرهنگی و تاریخی محافظت شود. در پروتکل منظورمان قبل از هر چیز قوانین و حقوق دوم همین کنوانسیون عنوان شده است که بین‌الملل است. طبیعتاً نخستین بخش، آلودگی میراث فرهنگی باید تقویت شوند وقتی که آب است، برای اینکه آلودگی آب می‌تواند خاک تحت تأثیر شرایط حمله قرار می‌گیرند که ایران را هم به‌سرعت آلوده کند و هم می‌تواند خیلی به این کنوانسیون ملحق نشده است. در این سریع تسری پیدا کند و وقتی در مورد اولویت‌بندی شرایط، میراث تاریخی باید علامت‌گذاری شوند صحبت می‌کنیم، می‌تواند شامل آلودگی هوا و یک‌سری پروتکل برای شناسایی ابنیه تاریخی باشد که مثل انفجارها، بخش زیادی از شرایط دارد.

انسانی را به‌سرعت تحت تأثیر قرار می‌دهد که سومین مورد، کنوانسیون میراث جهانی یونسکو یا باید جابه‌جا و تخلیه شوند یا مثل بمباران‌های است که مکان‌های دارای ارزش جهانی را که در غیرعادی، مثل مواد شیمیایی، که همه این‌ها فهرست میراث طبیعی و میراث جهانی یونسکو در فهرست شرایط نظامی شناخته‌شده هستند. هستند، شامل می‌شود که ایران هم در آن عضو است.

بر اساس حقوق بین‌الملل، به‌ویژه کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون‌های ژنو، چه تعهداتی برای طرف‌های درگیر در قبال حفاظت از محیط‌زیست و میراث فرهنگی وجود دارد؟

ایران عضو کنوانسیون‌های کلیدی زیادی چهارمین مورد، پروتکل اول ژنو است که مشخصاً تخریب محیط‌زیست را ممنوع اعلام می‌کند و کنوانسیون استفاده از تسلیحات شیمیایی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و مخرب زیست را ممنوع می‌کند و طبیعتاً بر طبق این چارچوب‌ها، همه طرفین درگیر موظف‌اند است؛ از جمله کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ که که پیش از حمله یک ارزیابی محیط‌زیستی از مجموعه پروتکل‌های زیادی دارد که حمله به آثار حمله انجام دهند و مکان‌های فرهنگی غیرنظامی‌ها و طبیعت را ممنوع می‌کند و هر - تاریخی هم باید حمایت ویژه شوند و طرفی که در آن عضو باشد، طبیعتاً هر تخریفی خسارت‌های زیستی هم اگر در درازمدت به که در این موضوع داشته باشد، تخلف آن زندگی زیست‌مندان آن منطقه آسیب می‌زند، باید

ممنوع اعلام شود و در مورد کشورهایی هم که مورد حمله قرار می‌گیرند، وقتی که آلودگی‌ها و انفجارها و شرایط جنگی به وجود می‌آید، آن کشور موظف است که اطلاعات را در اختیار جمعیتی که در آن منطقه آسیب‌دیده یا مورد خطر واقع شده است قرار دهد.

در ساختار جمهوری اسلامی، بین آن تعهداتی که حتی به شکل رسمی و بین‌المللی و قوانین داخلی خود کشور وجود دارد و با آن چیزی که در عمل انجام می‌شود، یک تفاوت و یک شکاف عمیقی وجود دارد. ایران در خیلی از این کنوانسیون‌ها عضو است، اما هیچ‌چیز اجرایی در آن‌ها ندارد؛ مثلاً سازوکار داخلی یکپارچه‌ای برای حفظ میراث فرهنگی یا محیط‌زیست ندارد که در وضعیت دفاع یا حمله یک شرایط امنی برای آن‌ها داشته باشد. ما یک نهاد مشخص، بودجه و پروتکل‌های مشخص برای آن نداریم. حتی بعد از تجربه جنگ هم ما هیچ قوانینی نداشتیم که متوجه این امر باشد که اون تجربیات بعد از جنگ را اعمال کنیم و این موضوع مهمی است که باید به آن توجه کنیم.

اما یک مورد دیگر هم این است که ایران به بعضی از بندهای پروتکل‌ها ملحق و به بعضی ملحق نشده است که این امر هم می‌تواند مجازات‌های کیفری و تعهدات بین‌المللی برای ایران به دنبال داشته باشد. موضوع مهم دیگر این است که زمانی که درباره کشورهای توسعه‌یافته را برای حفاظت از آن‌ها اعمال کنند یا نسبت

نقش نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو در حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ تا چه حد مؤثر بوده و چه محدودیت‌هایی دارند؟

یونسکو در سطح جهان دستاوردهای زیادی داشته است؛ مثلاً یک فهرست میراث در خطر داریم که آن‌ها می‌توانند ابزار فشار دیپلماتیک را برای حفاظت از آن‌ها اعمال کنند یا نسبت

به حفاظت از موزه‌ها واکنش‌های سریع باشد و یونسکو آن را منتشر کرده باشد. در نشان دهند که نمونه‌هایش در عراق و سوریه هم بوده است. یونسکو همچنین می‌تواند با که اطلاعات دیجیتال شود و سایت‌های رسمی دادگاه‌های بین‌المللی هم همکاری داشته باشد و این موضوع مهمی است، برای اینکه می‌تواند هزینه‌های مالی را به کشورهای متخاصم تحمیل کند یا تخریب‌ها را محکوم کند. این مسائل می‌تواند در دادگاه‌ها مطرح شود و به‌عنوان مدرک و سند دارای ارزش باشد و همچنین می‌تواند در مستندسازی‌های دیجیتال و قبل از اینکه حمله اتفاق بیفتد، به لحاظ تکنولوژی و بودجه کمک کند. البته اگر آن کشور ارتباط فعالی با یونسکو داشته باشد، می‌تواند از یونسکو حمایت بخواهد. اما یونسکو عملاً پلیسی ندارد و وابستگی زیادی به شورای امنیت سازمان ملل دارد و این‌ها همه در واکنش تأخیر ایجاد خواهد کرد و همچنین منابع مالی یونسکو هم محدود است و معمولاً این‌طوری انجام شده است، اصلاً قابل‌مقایسه نیست.

کشورهای توسعه‌یافته، مثل ایتالیا، یک پلیس ویژه و یک واحد نظامی تخصصی برای حفاظت از میراث فرهنگی دارند که با یونسکو همکاری می‌کند. مناطق ممنوعه و داده‌های ماهواره‌ای از مکان‌های فرهنگی وجود دارد و حتی با آن داده‌های ماهواره‌ای، عملیات‌ها را در حوادثی جنگی باشند، باید در موردشان اطلاع‌رسانی شود. ولی من در این مورد گزارشی پیدا نکردم که حتی بعد از جنگ ۱۲ روزه به‌روزرسانی شده

ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو، ۲۶ اثر ثبت‌شده دارد و در مورد آن‌ها باید مرتب گزارش دهد و اگر آن‌ها در شرایط جنگی و مناطق جنگی باشند، باید در موردشان اطلاع‌رسانی شود. ولی من در این مورد گزارشی پیدا نکردم که حتی بعد از جنگ ۱۲ روزه به‌روزرسانی شده این مکانیسم‌ها را در همکاری با (دبلیو. دبلیو.

اف) برای حفظ منابع طبیعی و پایش حیوانات استفاده می‌کنند. ابزارهایی هم دارند که به‌خاطر موانع حقوقی، به‌خاطر عضویت در اتحادیه اروپا و هم به‌خاطر اینکه پارلمان و رسانه‌ها آزاد هستند، می‌تواند خیلی دقیق باشد. صلیب سرخ هم یک کمیته دارد که یک‌سری خسارت‌های محیط‌زیستی که بر شرایط انسانی تأثیرگذار است را ثبت می‌کند که نمی‌دانم در ایران چقدر فعال است و آن هم در پیوند با یونسکو کار می‌کند و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (یو.ان.ای. پی) یک ارزیابی دارد که آن هم با توجه به تصویربرداری‌های ماهواره‌ای و مستندسازی، به نهادهای بین‌المللی برای پیگیری‌های تخریب یا پیگیری‌های حقوقی مورد نیاز کمک می‌کند و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل هم هستند که آن‌ها در نهایت می‌توانند ورود کنند.

اما در رابطه با ایران، ما هیچ مستندسازی نداریم و نهاد مستقلی وجود ندارد و ایران به دادگاه بین‌المللی کیفری (آی.سی.سی) هم نپیوسته است و به همین خاطر، ما هیچ استاندارد مطلوبی در وضعیت گسترده آثار جنگ بر محیط‌زیست، شرایط دریایی و میراث فرهنگی نداریم. بعد از جنگ، چارچوب‌های بازسازی هم نداشتیم که این‌ها به شکل پایدار، بازسازی را مرمت کند.

علی‌رغم اینکه ما تجربه جنگ هشت‌ساله را داشتیم و با سیاست‌های نظامی‌گری ایران، این مسائل در آینده قابل‌پیش‌بینی بوده است. ایران

برنامه نظامی داشته، در حالی که سوی دیگر که حفاظت از محیط‌زیست و میراث فرهنگی در شرایط جنگی بوده را نداشته است. پروتکل‌های یونسکو و سازمان‌های جهانی دارای اولویت‌بندی است؛ به این شکل که برای آن‌ها میراث فرهنگی، غرامت و شرایط حقوقی در اولویت‌های پایین قرار می‌گیرد و اولویت اول به موضوع محیط‌زیست تحت تأثیر حیات انسان و اکوسیستم‌های در خطر، مثل آلودگی‌های ناشی از مواد منفجره که کشاورزی و آب را تحت تأثیر قرار دهند، اختصاص می‌یابد. ایران می‌توانست بعد از جنگ هشت‌ساله بخش بزرگی از این مسائل را در نظر بگیرد که نیازمند آن است، منتها با توجه به سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش هیچ‌وقت آن وضعیت‌ها را لحاظ نکرد.

پس از پایان جنگ، چه چارچوب‌های حقوقی و زیست‌محیطی برای بازسازی پایدار و احیای میراث فرهنگی باید در اولویت قرار گیرد؟ در سازوکار فعلی جمهوری اسلامی، چرا در بازسازی بعد از جنگ یا حوادث طبیعی، چالش‌های جدی وجود دارد؟

اولین مورد این است که ما یک میراث بازسازی‌نشده خیلی گسترده‌ای، هم بعد از جنگ و هم به‌خاطر عدم توجه به آسیب‌های

محیط‌زیستی، فعالیت‌های عمرانی، عدم نظارت نهادهایی که خودشان مجری، ناظر، و ارزیابی‌های محیط‌زیستی، نه در پیش از مجوزدهنده و مجوزگیرنده بوده‌اند، داریم. پروژه‌ها و نه در پایان آن که شامل تخریب پروژه دومین مورد این است که در بازسازی این آثار تضاد منافع وجود دارد، برای اینکه مثلاً پروژه‌های بازسازی را نهادهای نظامی - اقتصادی، مثل سپاه، انجام می‌داده است، در حالی که هیچ‌کدام از این‌ها انگیزه‌ای برای حفظ استانداردها ندارند و بخش زیادی از آسیب‌ها را خودشان به وجود آورده‌اند. پس اینجا یک تضاد منافی وجود دارد و اولویت مالی و پروژه‌ای آن‌ها هم نبوده است.

سومین مورد این است که جامعه مدنی هم هیچ مشارکتی ندارد، برای اینکه ما وقتی که مثلاً در مورد بازسازی میراث فرهنگی اقوام، مخصوصاً در مناطق مرزی، حرف می‌زنیم، وقتی که مشارکت خودشان نباشد، می‌تواند حتی در تضاد با هویت فرهنگی آن‌ها انجام شود و حتی بخش اشتغال‌زایی را در آن فضا از بین ببرد و می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که حتی در تضاد با منافع مردمی باشد که در آن منطقه ساکن هستند. نکته نهایی که خیلی مهم است، این است که قوانین ایران ارزیابی زیستی بین‌المللی که به اسم (ای.آی.ای) شناخته می‌شود را در مورد پروژه‌های مورد توجه قرار نمی‌دهد و حتی در همان پروژه‌های صنعتی و بازسازی و پروژه‌های حفاظت از اکوسیستم‌های آسیب‌دیده که رسمی و عملی و سوءاستفاده از منابع وجود دارد.

وقتی که ما یک ساختار حکمرانی مستقل توسعه‌محور و عدالت‌محور نداشته باشیم، این تعهدات همیشه زیر ملاحظات امنیتی - سیاسی قرار می‌گیرند و در این شرایط، محیط‌زیست و میراث فرهنگی نه تنها سرمایه ملی به حساب نمی‌آیند، بلکه به‌عنوان یک صندوق درآمدزایی برای نهادهای مدافع قدرت نگریسته می‌شوند و برای آن‌ها فضای بسیار بازی در فرار از تعهدات رسمی و عملی و سوءاستفاده از منابع وجود دارد.



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net